

محسن غرویان

مقدمه

فلسفه تاریخ، دانش کشف قواعد و بنیان‌های تحولات و تطورات در سلوک تاریخی آدمیان است. فیلسوفان تاریخ، در پی آنند که بر اساس فرمول‌های پیچیده و نوامیس نسبتاً ثابت، آینده بشر را ترسیم نمایند و غایات حرکت جوامع انسانی را بر اساس مبادی این حرکات، پیشگویی و پیش‌بینی کنند. از جمله مفاهیم حوزه مدیریت راهبردی فرهنگ، مفهوم مهندسی فرهنگی است. مقوله مهندسی فرهنگی جامعه جهانی، از مقولات انسانی و دینی - به معنای اعم آن - است. «مسجد» از آنجا که بزرگ‌ترین پایگاه تبلور آموزه‌های دینی و آسمانی است، نقشی اساسی و عظیم در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر دارد. بی‌تردید مقوله «مهندسی فرهنگی مسجد محور» در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش‌های دینی و رضایت شهروندان، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. بدیهی است که درک مشترک و اتفاق نظر نخبگان سیاسی، علمی و مذهبی، شفاف‌سازی و تبیین رابطه این مفاهیم با سایر کلید واژه‌های مدیریت راهبردی فرهنگ جهانی و مؤلفه‌های دخیل در تصمیم‌سازی راهبردی، گامی بزرگ در توسعه و تعمیق فرهنگ مسجد محور، به شمار می‌آید.

نگارنده بر این باور است که «مسجد» مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و بر خلاف دیدگاه فیلسوفانی همانند «هانتینگتون»، «فوکویاما»، «مارکس»، «انگلس» و غیر آن، آینده تاریخ از آن دین - مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد به‌عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت. هم‌اکنون بر اساس گزارش یک نهاد نظارتی، تعداد مساجد و مراکز اسلامی در حال ساخت در شهرهای مختلف آمریکا رو به افزایش است. و این امر سبب خشم فزاینده شده و طرح ساخت مساجد و مراکز اسلامی بیشتر، نفرت را در دولتمردان آمریکا دو چندان کرده است. شبکه متعلق به «پنتاگون» با اعلام اینکه ما شاهد ساخته شدن مساجد بیشتری در آمریکا هستیم، مدعی شد در شهر نیویورک، پیشنهاد فروش یک عبادتگاه کاتولیک‌ها به یک گروه اسلامی باعث افزایش خشم مردم این شهر شده و طرح ساخت مسجد در «تنسی» باعث اقدام خرابکارانه و حتی تهدید افراد به مرگ شده است.^۱

^۱ - خبرنامه سیاسی فرهنگی اجتماعی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۴۹، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۸۹/۴/۱۷.

در این مقاله، نگارنده بر آن است که با نگاهی نوپردازانه، طرحی نوین - و البته اجمالی - در راستای ترسیم خطوط حرکت و جنبش جهانی اسلام با محوریت و کانونیت مسجد ارائه دهد.

کلید واژه‌ها: مسجد، اسلام، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، فلسفه تاریخ، جامعه جهانی

❖ مبحث اول: کلیات مفهوم‌شناسی

▪ طرح مفهوم مهندسی فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری

طی دهه گذشته مفاهیم مهم و در خور توجهی هم چون گفت و گوی تمدن‌ها، ایران فرهنگی و مهندسی فرهنگی در عرصه مدیریت فرهنگی کشور از سوی دلتمردان و فرهیختگان داخلی مطرح گردید.

«مفهوم مهندسی فرهنگی» نخستین بار در سال ۱۳۸۱ توسط رهبر معظم انقلاب در جهت تأکید و تبیین لزوم توجه به فرهنگ و ابعاد ارزش‌های فرهنگی بیان شد. مهندسی فرهنگی با هدف بازطراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، قضایی و اجتماعی کشور بر اساس فرهنگ مهندسی‌شده، با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی مطرح گردیده است. پیشرفت و توسعه علمی و خردمندانه این مفهوم، می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت رفع و حذف کژکارکردهای فرهنگ موجود و شناسایی نقاط مثبت و سازنده ابعاد فرهنگ ملی و سایر ملل و قومیت‌ها به کار گرفته شود. بدیهی است عدم توجه به این مقوله یا مفاهیمی از این دست، منجر به تضعیف فرهنگ و میراث هویت ملی ایرانیان در تقابل با فرهنگ‌های بیگانه خواهد شد.

▪ جهانی‌شدن، جهانی‌سازی و تعامل فرهنگ‌ها

پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری اطلاعات، توسعه روز افزون صنعت گردشگری و سیاست‌های اقتصادی شرکت‌های چندملیتی در استفاده از قابلیت‌های کلیدی سایر کشورها، از جمله عواملی است که روند جهانی‌شدن را با حرکتی اجتناب‌ناپذیر مواجه ساخته است. امروزه، معنا و مفهوم جدیدی تحت عنوان مرزهای فرهنگی پدید آمده که بر این اساس انسان‌ها بر مبنای چهارچوب فکری‌شان از یکدیگر متمایز می‌گردند. از این رهگذر و در پرتو این تحولات رو به رشد، رویارویی و تعامل فرهنگ‌ها بیش از گذشته بایستی مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد. در صورت عدم تجهیز «نظام مدیریت راهبردی فرهنگ ملی» به ابزارهایی چون مهندسی فرهنگی، در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش رو، ضمن حذف وجوه ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزاء مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی‌سازی فرهنگ‌ها از بین خواهد رفت. این پدیده به از خود بیگانگی فرهنگی، از بین رفتن میراث ارزشی و هویت ملی و سرمایه‌های فرهنگی کسب شده در طی سالیان دراز توسط اعیان و پیشینیان ما منجر خواهد شد.

❖ مبحث دوم: کارکرد و ظرفیت مسجد در روند جهانی شدن

▪ مسجد؛ یک عنصر نقش آفرین

واژه «مسجد» با همه بار معنایی که دارد، مفهومی آشنا برای همه جهانیان است. مسجد، سنگری است که به خوبی می‌توان از آن در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو و احیای سرمایه‌های فرهنگی و میراث اخلاقی و ارزش بومی استفاده کرد. بی‌تردید در روند مناسبات جهانی و فرایند جهانی‌شدن و پروژه جهانی‌سازی با رویکرد اسلامی، «مسجد» مهم‌ترین پایگاه و عنصر نقش آفرین است. یکی از خطرناک‌ترین نقش‌های مسجد، تعیین چهارچوب فکری صحیح و مناسب، جهت شکل‌دهی آذهان اهل مسجد در سراسر جهان است. اهمیت این امر تا بدان‌جاست که همه مسلمانان عالم، واقعیت‌ها و مسائل پیرامونی خود را با توجه به چارچوبی که مسجد در آذهان آنان ترسیم می‌کند، تعبیر و تفسیر می‌کنند. این پدیده مهم را «چارچوب‌بخشی» یا «معنابخشی» به رفتار دیگران تعریف می‌کنند.

«مسجد» پایگاه پیام اسلام و مسلمانان عالم است. اندیشمندان و احیایران بسیاری همواره بر اهمیت واژه‌ها، عبارات و کلام به عنوان عاملی مهم در جهت تبیین و تشریح چشم‌اندازها و آف‌های پیش‌روی دیگران اشاره کرده‌اند. «اسکاول‌شین» کلام را به مثابه عصای معجزه‌گر در تعاملات اجتماعی به شمار می‌آورد. اگر ما امروزه «مسجد» را به عنوان مؤثرترین پایگاه تحولات فکری و سیاسی در آینده جهان مطرح کنیم، ظنین آن قطعاً در معادلات و تعاملات فرامرزی و فراملیتی اثرگذار خواهد بود.

«مارتین لوتر کینگ» در یک سخنرانی در آمریکا عبارتی را بر زبان آورد و گفت: «من یک رؤیا دارم!» همین سخن او آغاز جنبش بزرگ حقوق شهروندی در آمریکا را رقم زد.

▪ تأثیر واژه‌های پیام‌دار در جهت‌دهی مهندسی فرهنگی

در خلال جنگ جهانی دوم بسیاری از عملیات‌های نظامی فاقد عنوانی خاص به منظور معنابخشی و جهت‌دهی آذهان عمومی بود. در جنگی که «جرج دبلیو بوش» علیه عراق و افغانستان آغاز نمود، انتخاب عناوینی نظیر «عملیات برای آزادی عراقیان» و «آزادی ماندگار» به شکلی تصادفی نبود، بلکه به صورتی کاملاً هدفمند در جهت چارچوب‌دهی و هدایت آذهان عمومی به کار رفت. کاربرد چنین الفاظی در ادبیات تحت عنوان «صنعت استعاره» مرسوم است. در صنعت استعاره نویسنده قسمتی از اجزاء تشبیه (مشبه‌به یا ادات تشبیه) را حذف نموده ولی معنای ضمنی این ارکان از مفهوم جمله برداشت می‌گردد. استعاره، غالباً وسیله‌ای برای آراستن سخنان ادبی تلقی می‌شود، ولی اهمیت آن بیش از این است؛ زیرا استعاره در واقع روشی جهت تفکر و طریقی از بینش را القاء می‌کند. هر جا که سعی در درک یک جزء تجربه به شیوه دیگر را داریم، از شیوه استعاره استفاده می‌کنیم. مکتب «پسانوین‌گرایی مدیریتی» نیز با الهام از این مقوله ادبی به ارائه چهارچوب‌هایی معنایی، در خصوص مضامین مورد نظر محققین و اندیشمندان آن حوزه

پرداخته است. هر نویسنده با انتخاب استعاره‌ای خاص، جنبه‌ها یا ویژگی‌های خاصی از یک مقوله را بزرگ‌نمایی نموده است.

اخیراً به موازات کاربرد این مفهوم در علوم سیاسی، مفهوم جدیدی تحت عنوان «الگوسازی فرهنگی» در ادبیات مدیریت فرهنگی باب گردیده است که نمایانگر فرایند ساخت یا الگوسازی اقدامات به منظور مشروعیت‌بخشی و هدایت اقدامات و فعالیت‌های درون سازمانی است. البته این الگوها در فرایندی جمعی ساخته و پرداخته می‌گردد و مبتنی بر ارزش‌های صرف فردی نیست. از این رو می‌توان استنباط نمود که ترکیب واژگان مهندسی و فرهنگی دلالت بر تدوین الگوی عقلایی و خردگرایانه در مدیریت راهبردی فرهنگی دارد.

▪ جهانی‌سازی مسجدمحور در مدیریت راهبردی فرهنگی

ما امروزه باید از واژه و عنوان «جهانی‌سازی مسجد محور» فراوان و مکرر استفاده کنیم تا پیام خود را در سراسر جهان و در فضای اندیشه و فلسفه سیاسی عالم، طنین‌انداز نمائیم. شیوه و مشی امام خمینی؛ بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در طرح و تبیین عناوین و مقولاتی هم‌چون حکومت اسلامی، ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، بر اساس الگوی فوق بود و هم‌اینک برای ترسیم و طراحی آینده تاریخ انسان بر مبنای «فرهنگ مسجدمحور» بسیار راهگشا و کارساز است.

❖ مبحث سوم: جهانی‌سازی فرهنگ

در شروع هزاره جدید، «جهانی‌شدن» جایگاهی بس مهم پیدا کرده است. البته جا دارد پرسیم که:

- ✓ جهانی‌شدن چگونه با فرهنگ قابل جمع است؟
- ✓ آیا می‌توان این دو اندیشه را باهم سازگار ساخت؟
- ✓ اصولاً آیا فرهنگ - که محصول مکان و زمان ویژه‌ای است - ظرفیت و قابلیت جهانی شدن را دارد؟

این موضوع عمیق و پیچیده از سه زاویه دیدگاه متفاوت قابل بررسی است:

(۱) پیشاپیش فرض کنیم که فرهنگ نمی‌تواند جهانی شود و هرگونه ادعا بر خلاف آن فقط تلاشی برای مشروع جلوه دادن یا قانونی کردن استیلای یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌هاست. یعنی سلطه‌ای است که ناشی از ارزش ذاتی فرهنگی نیست، بلکه تابع عوامل برون فرهنگی تکنولوژیکی، اقتصادی یا سیاسی است. پس نفوذ و قدرت یک فرهنگ خاص یا ملتی که آن فرهنگ نماینده آن است هر چقدر باشد، آن فرهنگ نمی‌تواند امیدوار باشد که در دیگر فرهنگ‌ها ریشه بدواند. طبق این فرض و از این دیدگاه یک فرهنگ تهاجمی و سلطه‌طلب شانس برای پیروزی ندارد.

(۲) دیدگاه دوم آن است که فرض کنیم فرهنگ می‌تواند با استفاده از ابزار قدرتمند عصر اطلاعات مانند رایانه‌ها، ماهواره‌ها، تلویزیون، فضای سایبر و غیره جهانی شود، اما این فرض، در برابر طبیعت واقعی

فرهنگ قرار می‌گیرد که از تنوع فرهنگی حاصل از تفاوت‌های بین جوامع انسانی و تفاوت‌های موجود بین ریشه‌های جغرافیایی و تجربه‌های تاریخی مربوط تولید می‌شود.

۳) سومین رویکرد نه بر پایه حتمی بودن کثرت‌گرایی فرهنگ است و نه بر اساس وحدت آن. اگرچه زمینه‌های فرهنگی و اطلاعاتی باهم یکی نیستند، اما در حال حاضر دستاوردهای عصر اطلاعات تعیین‌کننده هنجارهای فرهنگی و فراهم‌کننده جهانی شدن اطلاعات، راه‌های ارتباطی و تعامل بین فرهنگ‌ها هست. آخرین نوع از چنین راه‌هایی «شبکه جهانی ارتباطات الکترونیکی» یا اینترنت است که با حذف ابعاد زمانی و مکانی، سیاره زمین را در اختیار خود گرفته است و در حرکت تاریخ با تمامی الزامات مفاهیمی که برای فرهنگ ایجاد می‌کند، شتاب عجیبی ایجاد کرده است.

▪ جهانی‌سازی و زبان و فهم یکسان

یکی از الزام‌های مزبور، ضرورت یک زبان ویژه جهانی است که بر موانع ناشی از اختلاف زبان فائق آید. این موضوع با اتخاذ زبان موجود یا اختراع زبانی جدید برای این منظور مقدور است و امروزه تحقیق برای اختراع شیوه‌های ترجمه فوری و خودکار در جریان است، به هر حال واقعیت آن است که ابزاری که در حال حاضر برای نزدیک کردن فرهنگ‌ها به یکدیگر وجود دارد، فرهنگ را ضعیف خواهد کرد؛ زیرا فرهنگ پیش از این که تولید یک نظام جهانی باشد، به صورت اندام‌وار و گره خورده به گروه‌های انسانی است، یعنی در مجموعه‌های خاص جغرافیایی و تاریخی احاطه شده است و روایات، خاطرات و آرزوهای خاص خود را دارد. از سویی، جهانی‌شدن به این مفهوم است که انسان معاصر به طور دائم و همزمان در معرض محرک فرهنگی خارجی از یک سو و هویت فرهنگی ذاتی خود از سوی دیگر است، و این جاست که این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از دو عامل فوق در نهایت دارای قطعیت بیشتری برای شکل دادن به آینده فرهنگی انسان هستند؟

برتری فناورانه، سرمایه‌ای ارزشمند است به خصوص زمانی که به فرهنگی خاص، جاذبه جهانی ببخشد. البته هر چند فناوری یک شرط لازم است، اما شرطی کافی نیست. برای مثال در مورد ایالات متحده آمریکا، حساسیت انکارناپذیر روش‌ها و فنون رسانه‌های آمریکایی نقش قاطعی در توسعه بی‌چون و چرای فرهنگ آمریکایی در سراسر جهان بازی کرده است. اما در برابر تهاجم فرهنگی آمریکایی در برخی نقاط جهان از جمله ایران اسلامی مقاومت‌هایی عمیق و پایدار هم صورت گرفته است و در آینده نیز این مقاومت‌ها و پایداری‌ها می‌تواند صورت بگیرد.

❖ مبحث چهارم: محوریت مسجد در فرآیند جهان‌گستری

به نظر ما «مسجد» تنها سنگری است که در تمامی نقاط مسلمان‌نشین جهان، می‌تواند در قالب پایگاهی مهم و قانونی پرانرژی در برابر موج فرهنگی آمریکایی مقاومت کند و فطرت و وجدان انسان‌ها را مورد خطاب قرار دهد و

حرکتی نو را در صحنه جهانی رقم زند. کارشناسان مسائل فرهنگی معتقدند که مشارکت و حمایت مردمی به عنوان موتور محرکه در طرح‌های فرهنگی به شمار می‌آید. استفاده از مفهوم «همطرازی» و «هم‌سویی» در جهت انسجام راهبردهای فرهنگی مثل گفت‌وگوی تمدن‌ها و مفاهیم جدید هم‌چون ایران فرهنگی (توسعه و تعمیق روابط فرهنگی با دولت‌ها و ملت‌های دارای فرهنگ مشترک با ایران) نقشی به‌سزا در کسب اهداف و آمال فرهنگی در نقشه تعالی فرهنگ مسجدمحور ایفا می‌کند. همان‌سان که قرآن، رسالت جهانی دارد و گستره گیتی، عرصه ظهور و تجلی نور هدایت اسلام و قرآن باید باشد، ظرفیت مهم‌ترین پایگاه دینی یعنی مسجد نیز به‌گونه‌ای است که می‌بایست محور تحولات بنیادین جهانی در گستره همه عالم باشد.

▪ تاثیر سازمان مساجد اسلامی در تحولات جهانی

امروزه ما با رشد بی‌رویه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی رو برو هستیم. همین رویکرد می‌بایست در نگاه ما به «سازمان مساجد اسلامی» همواره مورد ملاحظه قرار گیرد. نهاد «مسجد» در نگاه ما یک سازمان فراملی است و هم از این روست که می‌تواند در پروژه جهانی‌سازی و فرایند جهان‌گستری بسیار تأثیرگذار باشد. اگر می‌خواهیم که سیر تحولات جهانی را به سمت عبودیت خدای متعال رهبری کنیم، می‌بایست نگاهی نو به عالم و آدم بیافکنیم و فرهنگ‌های سنتی و بومی را در سرتاسر جهان در راستای معرفت حق متعال جهت‌دهی کنیم و این مهم جز با محوریت سازمان یافته «مسجد» سامان نمی‌یابد.

حقیقت این است که به درستی مشخص نیست مجموعه فرایندهایی که امروزه تحت عنوان جهان‌گستری شناخته می‌شوند از چه زمانی آغاز شد. فقط می‌دانیم که از مدت‌ها پیش، این احساس - که سرعت و ماهیت تحولات، موجب سرعت گرفتن سرسام‌آور گروهی از فرایندهای موجود و تغییر ماهیت برخی از آنها و نیز پدیداری فرایندهای جدید شده - به وجود آمد. خلق مفهوم جهان‌گستری که به منظور ساده‌سازی، درک بهترین و اندیشیدن درباره این تحولات صورت گرفت، در حوزه نظر و عمل تلاش‌های فشرده‌ای را به همراه آورده است. پیروان ادیان و مذاهب الهی و مادی، مکاتب فکری بزرگ در علوم اجتماعی، اقتصادی، سیاست و فرهنگ، هر یک از منظر خود مباحثی را در خصوص فضای مفهومی این واژه مطرح کرده و به نظریه‌پردازی درباره گذشته، حال و آینده جهان در پرتو آن پرداخته‌اند و سؤالات بی‌شماری نیز مطرح شده است، از جمله این که:

✓ ماهیت این فرایند چیست؟

✓ آیا جهان‌گستری فرایند جدیدی است یا سابقه‌ای دیرینه دارد؟

✓ آیا مجموعه تحولاتی که امروزه در حوزه این واژه جدید قرار می‌گیرند، تحولاتی خودجوش هستند یا توسط گروهی خاصی از کنشگران اداره می‌شوند؟

✓ آیا آنچه که امروزه در حوزه‌های فناوری، اقتصادی، سیاست و فرهنگ می‌بینیم جهانی شدن است یا جهانی سازی؟ آیا پروژه است یا پروسه؟

✓ این تحولات چه آثاری به همراه خواهند داشت؟

✓ بر سر حاکمیت دولت‌ها، اقتصادهای ملی، فرهنگ‌های بومی و هویت ملی و سنتی چه خواهد آمد؟

✓ کنشگران عمده در جهان آینده کیان‌اند و کدام یک تأثیرگذارترند؟

✓ جامعه آینده از حیث ماهیت و نوع تعاملات و کنش‌ها چگونه جامعه‌ای خواهد بود؟

این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، چنان اندیشمندان و عملگرایان را به خود مشغول داشته که امروزه کمتر رشته‌ای از شاخه‌های گوناگون علوم را می‌توان یافت که به نحوی درگیر جست و جوی پاسخی برای آنها نباشد.

با این همه باید گفت که ما هنوز در مرحله شناخت این پدیده هستیم. در تعریف، تبیین علل پیدایش و پیش‌بینی آثار و پیامدهای این پدیده تقریباً هیچ‌گونه وحدت نظری وجود ندارد. علی‌رغم این که امروزه در حوزه فناوری از «انقلاب صنعتی سوم» و «دهکده جهانی الکترونیک» در حوزه اقتصاد از منتفی شدن امکان اجرای اقتصاد کینزی و «اداره اقتصاد جهانی توسط شرکت‌های چندملیتی» در حوزه سیاست از گسترش نهادهای فراملی و زوال دولت‌های ملی و در حوزه فرهنگ از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن می‌گویند، همه این گفته‌ها مخالفانی نیز دارد. تنها می‌توان پذیرفت که علم و فناوری - به ویژه فناوری اطلاعاتی - دامنه نفوذ جهانی یافته است. نیز با توجه به ایجاد و فراگیری رژیم‌های جهانی ملی، پولی و تجاری نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، روندهای اقتصادی گرایش جهانی دارند و اقتصاد جهان گستر از هم‌اکنون پدیدار است.

در حوزه‌های سیاست و فرهنگ، شاهد روندهای متضادی هستیم. از یک سو با ایجاد و رشد بی‌سابقه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی، هم‌چون اتحادیه اروپایی مواجه هستیم و از سوی دیگر گسترش جنبش‌های ملی‌گرا و قوم‌گرا به ویژه در یوگسلاوی، روسیه، قفقاز و حتی اروپا، آمریکا و کانادا، را می‌بینیم. از سویی رواج عناصر و شاخصه‌های فرهنگ غربی به ویژه آمریکایی را در سراسر دنیا شاهد هستیم و از سوی دیگر گسترش نهضت‌های بازگشت به خویشتن از جمله جنبش‌های بنیادگرا، اسلام‌گرایی و احیای هویت‌های بومی، محلی، قومی و ملی را به تماشا نشستیم. گروهی روند فرهنگی غالب در جهان را روند یکسان‌سازی می‌دانند و برخی بر این باورند که غلبه نهایی با فرهنگ‌های سنتی و بومی خواهد بود. آیا پیروز نهایی «همگرایی» خواهد بود یا «واگرایی»؟ این پرسش نیز هنوز پاسخ دقیقی ندارد.

▪ جهانی سازی فرصت یا تهدید

پرسش دیگری که در همه عرصه‌ها، به ویژه در حوزه عمل و اقدام مطرح است این است که آیا جهان‌گستری - خصوصاً در حوزه فرهنگ - فرصت است یا تهدید؟ آیا آمریکایی شدن است، چنان که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند یا استعمار معکوس است؟ آن‌سان که گروهی دیگر معتقدند.

سؤال مهم دیگر این است که این پدیده چه پیامدهای مثبت و منفی را به همراه خواهد داشت؟ طبیعی است که نوع نگرش ما به این پدیده و پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها می‌دهیم، می‌تواند مبتنی بر یکی از سه رویکرد زیر باشد:

۱. می‌توانیم یکباره تسلیم این فرایند شویم و تن به این موج بسپاریم و منتظر نتایج بنشینیم.
۲. می‌توانیم کاملاً از آن اعراض کنیم و کنار بگیریم و منزوی شویم.
۳. می‌توانیم راه سوم را برگزینیم، یعنی در این فرایند مشارکت کنیم و با هوشیاری کامل از مزایای آن بهره بگیریم و از پیامدهای نامطلوب آن خود را در امان نگاه داریم.

به نظر ما بهترین رویکرد برای مواجهه با این پدیده، همین شیوه سوم است و در فرهنگ اسلامی و ملی ما نیز این روش، سابقه و ریشه‌ای طولانی دارد. روایاتی هم‌چون: «خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۲ از امام علی^۷ و «اطَّبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»^۳ و «خُذُوا الْعِلْمَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُ»^۴ از پیامبر اسلام^۶ در این زمینه برای ما راهگشاست.

▪ مراکز حساس و تأثیرگذار در جهانی سازی

برخی معتقدند که جهانی‌گرایی (globalization) به معنای جهانی کردن امور، به ویژه جهانی کردن اقتصاد است. به گونه‌ای که در آن، همه بخش‌های جهان، قسمتی از یک واحد اقتصاد باشند؛ یعنی بتوان در سراسر جهان معامله کرد و هر تغییر اقتصادی در هر نقطه عالم بر تمامی اقتصادهای محلی و ملی و منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. در این وضعیت، اقتصاد جهانی همانند یک اقتصاد ملی، به هم پیوسته و واحد خواهد بود.

عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند شاید واژه «جهان-گستری» ترجمه دقیق‌تری برای (globalization) باشد و فعل آن هم لازم است و هم متعدی. و لذا هم می‌توان آن را «جهان‌شمول کردن» یا «یکپارچه کردن جهان» ترجمه کرد و هم می‌توان به معنای «جهان‌شمول شدن» یا «یکپارچه شدن عالم» بکار برد. به هر حال، در عصر حاضر در علوم انسانی،

^۲ - مشکاة الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۶۱۲، الفصل الثامن فی العلم و العالم

^۳ - وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۷، ح ۳۳۱۱۹؛ «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اطَّبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»

^۴ - منية المرید، ص ۳۲۳، الفصل الثانی فی آفات المناظرة

معنایی که از این واژه قصد می‌شود، بر یک تحول همه‌جانبه دلالت دارد که نه تنها بعد جغرافیایی کره زمین را در بر می‌گیرد، بلکه بر همه شئون دنیوی انسان مثل اقتصاد و سیاست و دین و فرهنگ و غیره تأثیرگذار است.

▪ مسجد بستر ایدئولوژی جهانی سازی

آنچه که امروزه برای ما مسلمانان بسیار مهم است، مطالعه بر روی مراکز و کانون‌های جهانی سازی است. باید توجه کنیم که مراکز جهانی سازی همواره در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. در روزگاران گذشته مراکز قدرتی هم‌چون یونان، مصر، چین و روم، جهان را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دادند. در دنیای بعد از «رنسانس» نیز آمستردام، لیسبون، پاریس، لندن، واشنگتن هر یک به سهم خود و با ابزارهای مادی و ایدئولوژی‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تا خواست خود را در جهان گسترده سازند و این آرمان هنوز هم دنبال می‌شود.

حال سؤال این است که چرا ما نتوانیم در این دنیای متغیر و تأثیرپذیر، «مسجد» را در قالب کانونی محرک و مؤثر در معادلات سیاسی اجتماعی و در تغییرات ژئوپلیتیکی مطرح نماییم؟!

مراکز و پایگاه‌های جهانی سازی را می‌توان به لحاظ زیر تقسیم بندی کرد:

نیروی انسانی، سرمایه، جغرافیا، اندیشه، فرهنگ، مذهب، هنر، صنعت و فناوری و غیر آن.

از این روست که ما معتقدیم مسجد به عنوان پایگاه بزرگ مذهب، می‌تواند یکی از کانون‌های قدرت‌مند در فرایند جهانی سازی مطرح گردد.

هر ایدئولوژی بالقوه در کار گسترش و توسعه پیروان خویش است، اما مراکزی هم‌چون مساجد اسلامی که در فرایند تاریخی خود، نقش تأثیرگذار عینی یافته‌اند، نیروهای بالقوه و بالفعل کارآمدتری را برای ایجاد این پدیده یعنی جهانی سازی دارند. در جهان سرمایه‌داری امروز، وقتی یک ایدئولوژی مؤثر، کم‌کم رو به افول می‌رود، یک ایدئولوژی مکمل، هسته‌های محرک جدیدی را می‌سازد. مثلاً امروزه ایدئولوژی لیبرالیسم سنتی رو به افول رفته است، اما «نئولیبرالیسم» به صورتی فعال‌تر در کار جهانی سازی است.

در همین راستا، برخی مراکز قدرت غربی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و... تلاش می‌کنند که با مهار منابع مهم قدرت و مراکز توزیع نیازهای مردم جهان، روند جهانی شدن - به ویژه آمریکایی شدن - را سرعت بخشند. به نظر می‌رسد که مسجد می‌تواند به عنوان یک رقیب بزرگ برای این گونه مراکز مطرح شود.

▪ پایداری و مقاومت در برابر موج جهانی سازی

طرفداران جهانی سازی، جهانی شدن را توسعه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که نمی‌توان در مقابل آن مقاومت کرد و با مداخله انسانی به ویژه از طریق نهادهای سیاسی مانند دولت و حکومت، نمی‌توان بر این موج، تأثیر زیادی گذاشت. به نظر حامیان این موج، جهانی شدن پدیده‌ای واقعی و ملموس است و به منزله یک تغییر اساسی در جغرافیای روابط

اجتماعی به شمار می‌آید؛ یعنی فرایندهای اجتماعی هم‌اینک به گونه‌ای مسلط در قیاس جهانی عمل می‌کنند و لذا تأثیر جهانی‌سازی را در همه نقاط عالم می‌توان مشاهده کرد و روابط متقابل جهانی که سبب می‌شوند مرزهای ملی اهمیت خود را از دست بدهند، کاملاً مشهود است. امروزه می‌بینیم که اقتصادها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های ملی در درون شبکه‌های جهانی و جریان‌های بین‌المللی ادغام می‌شوند. جهانی‌سازان بر این باورند که این تحولات، به طور قهری تفاوت‌های سلطه و اقتدار محلی و ملی را کاهش می‌دهند و فرهنگ و اقتصاد جهانی را یک‌دست و همگن می‌سازند. جهانی‌سازان به پیدایش ساختار جهانی تازه‌ای اشاره دارند که به زودی قوانین آن مشخص می‌کند که کشورها، سازمان‌ها و حتی افراد چگونه باید عمل کنند. بر اساس نظریه انسان، جهانی‌سازی شکل اجتناب‌ناپذیری از توسعه است که هرگونه تلاش برای مقاومت و پایداری در برابر آن به شکست خواهد انجامید.

اما جهانی‌سازی در دهه پایانی قرن بیستم یعنی ده سال پس از شکل‌گیری جدید و با ارائه دستور کار خود در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفت و مخالفان این نظام، سازمان‌یافته‌تر و نیرومندتر از گذشته به مقابله پرداختند. مقاومت در برابر جهانی‌سازی را می‌توان به گونه‌ای مقاومت در برابر مدرنیسم دانست و لذا این مقاومت به شکل‌های سنتی و رادیکالی از چپ کلاسیک تا چپ جدید و در قالب جنبش‌های منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی و معنویت‌گرایی صورت می‌گیرد و به این ترتیب، مخالفان جهانی‌سازی، در میان اقشار مختلف و در سراسر جهان یافت می‌شوند. اینان عمدتاً قشرهایی هستند که در طول تاریخ همواره با بی‌عدالتی مبارزه کرده‌اند. این گروه‌ها می‌توانند در «کانون مساجد اسلامی»، مجتمع و متحد شده و به جنبش و مقاومت خود انسجامی تازه ببخشند. به ویژه سنت‌گرایان معتقدند که در اهمیت جهانی‌سازی به عنوان مرحله‌ای جدید اغراق می‌شود. طرفداران این دیدگاه سنت‌گرایانه عقیده دارند که فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و غیر آن، بیشتر منطقه‌ای هستند تا جهانی، و هنوز نقش مهمی برای دولت - ملت، قائل‌اند. سنت‌گرایان و محافظه‌کاران، نسبت به جهانی‌سازی بدبین هستند و عقیده دارند این پدیده نشانه‌ای از تغییر بنیانی یا منظم در روابط اجتماعی نیست، بلکه جهانی‌سازی یک اسطوره یا «مرحله گذار» میان گذشته و حال است و نقش انتقالی دارد.

❖ مبحث پنجم: جهانی‌شدن به معنای آمریکایی شدن!

دولت آمریکا در تلاش است که با عنوان جهانی‌شدن، در حقیقت - آمریکایی‌شدن را سازماندهی کند. در بسیاری از کشورهای جهان و به خصوص در ایران با جهانی‌شدن به معنای آمریکایی‌شدن مخالفت می‌شود. امام خمینی یکی از مؤثرترین و پرنفوذترین شخصیت‌های جهان معاصر، در مخالفت با جهانی‌شدن به معنای آمریکایی‌شدن بود. ایشان با شعار معروف و تاریخی «آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»^۵ رو در روی موج آمریکایی‌شدن ایستاد. امروزه هم مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی

^۵ - صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۵۱۶.

ایران با درایت و تدبیر، موج عظیم مخالفت با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا را هدایت می‌کنند. در ایران امروز این نکته به روشنی مطرح است که هدف جهانی‌شدن از نظر حاکمان آمریکا و اروپا، اشاعه فرهنگ غرب و غربی‌ها است، و آمریکایی‌ها، می‌خواهند که دیگران مقلد آنها باشند! در حالی که هدف ما از جهانی‌شدن این است که میان همه اقوام و ملل امکان تبادل نظر، تعاطی افکار و تضارب آراء به وجود آید.

اندیشمندان مسلمان و انقلابی باید به این نکته توجه کنند که جهانی‌شدن و آمریکایی‌شدن - در واقع - تحول تاریخی مطامع و مطالبات اقتصادی غرب در پنج قرن اخیر است و آمریکا، غرب را نیز در سلطه خود گرفته است. از این رو در چنین شرایط پیچیده‌ای باید آگاهانه دست به انتخاب زد و هم‌چون بازیگری فعال و خلاق وارد عمل شویم و فقط تماشاگر صحنه‌ها و تحولات جهانی نباشیم. ما می‌توانیم «مساجد» را در پهنه جهان امروز به کانون‌هایی برای تلاش در راستای بسط و توسعه فرهنگ و حیاتی تبدیل کنیم.

▪ موج مسجدسازی و اسلام‌گرایی در قلب آمریکا

خبرنگار فاکس نیوز گزارش می‌دهد که: سه مسجد جنجالی در «تنسی» آمریکا در حال ساخت است. در «ویسکانسین» و «بروکلین» و «استاتن‌ایلند» هم مساجدی در دست ساخت است. نظرسنجی‌های جدید نشان می‌دهد بیشتر ساکنان نیویورک مخالف ساخته شدن مسجد در نزدیک مقر برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی هستند. طبق آمار ۵۲٪ ساکنان نیویورک، مخالف ساخته شدن این مسجد هستند، اما ۳۱٪ خواستار ساخته شدن چنین مسجدی هستند و ۱۷٪ هم نظری در این باره ندارند.^۶

با توجه به شرائط فعلی و ملاحظه تحولات جهانی، پیش‌بینی نگارنده آن است که در آینده‌ای نه چندان دور، رئیس جمهور آمریکا یک شخصیت مسلمان خواهد بود!

اکنون باید سیر جریانات و سیاست‌های بین‌المللی را با دقت مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم و خود را برای آینده‌ای آماده سازیم که جهان بر اساس «محوریت و کانونیت مسجد» به عنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین پایگاه اسلامی، دچار تحولاتی اساسی و بنیادین گردد. طرح مباحث استراتژیک و کاربردی در اندیشه حکومت جهانی از دیدگاه اسلام، هم‌اینک ضرورتی دوچندان یافته است. بر اندیشمندان جهان اسلام فرض است که بیش از پیش به این مهم بپردازند و با نگاهی نوپردازانه، ایده‌ها و تئوری‌های نوین را ارائه دهند.

^۶ - خبرنگارنامه جامعه مدرسین، شماره ۱۰۵۶

▪ پوچ گرائی غرب و رویکرد دوباره به فرهنگ مسجد^۷

علم‌گرایی افراطی غربیان، موجب رشد پوچ‌گرایی و بی‌معنایی زندگی آنان شده است. کسانی چون فرانز کافکا، آلبر کامو، ساموئل بکت، آرتور آداموف، ژان پل سارتر و اوژن یونسکو، حامی رویکرد پوچ‌گرایی هستند و این توهم را در قالب نمایشنامه، مقاله و کتاب به تصویر کشانده‌اند.

ژان فوراستیه، نیهیلیم (پوچ‌انگاری) را زاده‌ی علم‌گرایی افراطی دانسته و می‌گوید: بنابر اندیشه‌های «سارتر» و «کافکا» که آثارشان را می‌توان پیامدهای منفی دانش تجربی و تحقیر و تخریب ارزش‌های سنتی دانست، انسان موجودی بی‌معنا و رها شده در جهان بی‌معناست و... این گونه اندیشه‌های پوچ‌گرایانه و نیست‌انگاری، سراسر نمونه‌های ادبیات نوین غرب را آکنده است.»

روژه دوپاسکیه در کتاب «سرگذشت اسلام، سرنوشت انسان» می‌نویسد:

«با اعلام پوچی زندگی انسان و هیچ‌بودن جهان، زندگی در روی زمین برای بسیاری از غربیان عملاً معنا و مفهوم خود را از دست داده است.... چون در این تمدن غربی «معنای انسان» مفقود و مجهول است، از این‌رو امیدها و آرزوهای ژرف او نادیده و ناشناخته مانده است.

الوین تافلر در کتاب «موج سوم» اظهار می‌دارد:

«تنها زمانی می‌توانیم یکی از حیرت‌آورترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر، یعنی رواج بی‌سابقه کتابها و فرقه‌های مذهبی را درک کنیم که سه عامل (تنهایی)، (فقدان ساختار و بی‌هدفی) و (پوچی و بی‌معنایی) را که ناشی از زوال تمدن صنعتی است، در کنار هم بگذاریم.» بی‌تردید بحران معنوی که امروزه غرب معاصر را تحت سیطره خود قرار داده است، نقطه کانونی مسجد و پیام آزادی‌بخش دین را در مرکز توجه جهانیان قرار داده است.

استاد شهید مطهری؛ چه زیبا در این زمینه آورده است:

«امروزه غالباً در یافته‌اند که عالم‌گرایی محض و تربیت علم خالص از ساختن انسان تمام ناتوان است. تربیت علمی خالص، انسان تک‌ساختی می‌سازد نه انسان چندساختی، امروزه همه دریافته‌اند که عصر علم محض به پایان رسیده است و یک خلأ موجود در درجه اول یک خلأ آرمانی است، خلأئی است در ناحیه مقاصد و غایات و آرمان‌ها، خلأئی است که به پوچ‌گرایی منتهی می‌شود.»

^۷ - در این مبحث از کتاب «دین و دنیای مدرن» به قلم دکتر ابوالفضل ساجدی بهره جستهم.

▪ نهضت جهانی بازگشت به دین و مسجد

به راستی شواهد فراوانی امروزه وجود دارد که نشان می‌دهد علم‌گرایی و عقل‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی برای هدایت بشر، ثمری نداشته است و از سوی دیگر، رشد فراینده دین‌گرایی و توجه به کانون عبادت یعنی مسجد را در میان غربیان موجب شده است. توده مردم غرب امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری، علوم تجربی محض و مادی‌گرایی صرف، نیاز معنوی انسان را برآورده نمی‌سازد. نشریه «دیلی تلگراف» می‌نویسد: تحلیل‌گران اجتماعی می‌گویند یکی از علل توجه بیشتر مردم به مذهب، این حقیقت است که مذهب و علم دیگر مانند گذشته ناسازگار دیده نمی‌شوند.^۸

بدون تردید وقوع انقلاب اسلامی ایران و پیوند میان «علم و دین در مساجد»، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه ما در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه جهانیان به دو مقوله علم و دین را عوض کرده است. «مسجد» محلی است که دین و علم و معنویت در آن به یکدیگر گره می‌خورند و ترکیبی زیبا و جذاب فراهم می‌آورند و همین پیوند زیبا امروزه در سطح جهان، مطلوب و گمشده حقیقی بشر است.

دکتر پنتی کاینن، از محققان و استادان دانشگاه فنلاند می‌گوید: در جهان امروز، تمایل برای پذیرش دین به وجود آمده و این تمایل رو به افزایش است.^۹

هم‌چنین «پیتر شولاتور» نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی معروف در کشور آلمان در همایشی با عنوان «اسلام و اختلاف‌های فرهنگ جهانی» تصریح می‌کند که: اکنون نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله آغاز شده است.^{۱۰} از نگاه تحلیلی ما، امروزه هرگونه گرایش به دین و معنویت در جهان غرب، گرایشی مجدد به سمت کانون عینی و خارجی دین یعنی کانون مسجد، شمرده می‌شود. حال از خود پرسیم که ما از این فرصت طلایی برای نشر و بسط فرهنگ اسلامی در جهان، به چه میزان سود برده‌ایم؟! پیوند حقیقی میان دین و علم، معنویت و مادیت، دنیا و آخرت، عقل و دین و... آن هنگام عینیت فردی و اجتماعی پیدا می‌کند که ما در درون مسجد به عنوان پایگاه دین و عبادت، مباحث علمی و کلاسهای درسی در علوم و فنون جدید را ارائه دهیم و نیز در درون دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک و علمی، مساجد و کانون سهل‌الوصول عبادت داشته باشیم. این مهم، اقتضا می‌کند که ما در طراحی و مهندسی مجتمع‌های مسکونی و مراکز علمی و دینی خود تجدید نظر کنیم و الگوهای ویژه‌ای به منظور تأمین اهداف فوق‌الذکر ارائه نماییم.

^۸ - روزنامه رسالت ۷۶/۳/۶ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی

^۹ - کیهان فرهنگی، سال ۱۳۷۲ و روزنامه کیهان ۷۴/۹/۱۲

^{۱۰} - کیهان فرهنگی، سال ۱۳۷۲ و روزنامه کیهان ۷۴/۹/۱۲

▪ مساجد، کانون عبادت و قدرت

کیفیت رخدادهای اجتماعی و سمت وسوی تحولات سیاسی در هر جامعه‌ای، مرهون و مدیون مراکز قدرت و نهادهای تأثیرگذار اجتماعی است. نهاد دین در میان نهادهای اجتماعی، یکی از مؤثرترین نهادهاست و به تعبیر راقم این سطور، «فرا نهاد» است؛ چرا که دین، در تمامی نهادهای دیگر مؤثر بوده و زیربنای سایر نهادها تلقی می‌شود. از سویی تبلور قدرت دین در نماد عینی دین یعنی مسجد، عینیت می‌یابد. امروزه تحلیل‌گران جهانی به خصوص در غرب پی برده‌اند که: «در شرائط حاضر، هیچ قدرت اجتماعی قوی‌تر از دین در جهان وجود ندارد»^{۱۱} معنای سخن مذکور، این است که در شرائط حاضر هیچ پایگاه اجتماعی به اندازه مسجد در بسیج توده مردم و نیروهای اجتماعی برای بهره‌گیری از قدرت اجتماعی، تأثیرگذار نیست. تحلیل هفته‌نامه فرانسوی «نوول ابزرواتور» می‌گوید: «مردم دنیا به طور روز افزون چه در شرق و چه در غرب، به طرف خداوند، مذهب و معنویت سوق پیدا می‌کنند»^{۱۲}.

❖ مبحث ششم: راهبردها و راهکارها

برای نیل به مرحله شکوفایی و فعلیت تمدن اسلامی و محوریت کانونی مسجد در عرصه جهانی توجه به راهبردهای و راهکارهای ذیل، ضروری به نظر می‌رسد:

الف) نقد درون‌مایه سکولاریزم

تحلیل و بررسی اندیشه سکولاریزم و نقد مبانی آن با متد منطقی و فلسفی یکی از ضرورت‌های فلسفی و کلامی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است که بایسته است توسط علما و اندیشمندان جهان اسلام به طور جدی صورت گیرد.

ب) تقویت علائق معنوی و روحانی

در مرداد ۱۳۷۶ به مناسبت سالگرد روز جهانی جوانان کاتولیک، گردهمایی بزرگی با حضور پاپ ژان پل دوم برگزار گردید که در آن بیش از یک میلیون نفر به نیایش پرداختند. در این مراسم جوانان کاتولیک از ۱۴۰ کشور جهان حضور داشتند.^{۱۳} همین‌طور جمعیت میلیونی از زنان سیاه‌پوست آمریکایی در فیلادلفیا اعلام کردند که اکنون زمان تقویت پیوند روحانی و معنوی در خانواده و جامعه سیاه‌پوستان فرار رسیده است.^{۱۴}

^{۱۱} - گراهام فولر، تئویسین بر جسته سازمان جاسوسی سیا در سیاست خارجی، مجله فارین پالی، چاپ آمریکا، به نقل از جمهوری اسلامی ۱۳۷۴/۳/۲۴

^{۱۲} - رونامه ابراز، ۱۳۷۵/۶/۶

^{۱۳} - دین و دنیای مدرن، ۱۲۱.

^{۱۴} - همان، به نقل از جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۸/۵

صدها هزار نفر از مردم آمریکا که در اجتماع میلیونی مقدس به دعوت سازمان میثاق گرد هم آمده بودند، به دعا نشستند و خواستار بازگشت معنویت به جامعه خود شدند.^{۱۵} این وقایع و رخدادها و نظایر آنها هم چون مراسم ۴۳ هزار نفری جوانان طرفدار مسیح به هدف آشنایی با ارزش‌های معنوی و ایمان شخصی، و اجتماع ۱۵ هزار نفری زنان آمریکایی در اُهایو برای دعوت به یکتاپرستی و ارزش‌های مذهبی و معنوی به عنوان راهکار خروج از بن‌بست‌های اخلاقی، نشان دهنده نیاز شدید بشر امروز به محوریت و کانونیت مسجد در رشد معنویت است.

ج) توجه به مذهب در امور بازرگانی

کارشناسان بر این باورند که امروز برای برنامه‌ریزی و توسعه فعالیت‌های تجاری و امور بازرگانی توجه به مذهب یک ضرورت است. ما باید از این فرصت در جهت تحکیم اندیشه‌های تمدنی خود در سطح جهانی بهره بگیریم.

د) بکارگیری رسانه‌ها و تأسیس شبکه رسانه‌ای «مسجد»

محققان گزارش می‌دهند که هم‌اکنون ایستگاه‌های رادیویی در آمریکا که برنامه‌های مذهبی پخش می‌کنند میلیون‌ها شنونده را به خود جذب کرده‌اند.^{۱۶}

همان‌گونه که ما امروزه شبکه مستقلی به نام شبکه قرآن داریم، باید شبکه‌ای مستقل با عنوان «مسجد» نیز تأسیس و راه‌اندازی کنیم تا بتوانیم مخاطبین داخل و خارج را برای جذب به مسجد به عنوان کانونی مؤثر، تغذیه نمائیم. نیز بر اساس گزارش شبکه خبری «رویتر» یک چهارم کاربران بزرگ‌سال اینترنت در آمریکا - که حدود ۲۸ میلیون نفر هستند - به دنبال اطلاعات مذهبی و معنوی این شبکه هستند که این رقم روزانه بالغ بر سه میلیون نفر می‌شود.^{۱۷} بنابراین سایت‌های متعدد و گسترده با محوریت مسجد یک ضرورت انکار ناپذیر است.

ه) حل تعارض ظاهری برخی آموزه‌های دینی با علم و عقل

گرچه عقل و علم با دین تعارض ندارد، اما به ظاهر، برخی آموزه‌های دینی نقلی هم‌چون مسئله خلقت انسان از گِل و... با برخی تئوری‌های علمی و فلسفی تعارض دارد. ما باید در حرکت علمی و فرهنگی رو به فردی خود، این تعارض‌ها را تحلیل و بررسی کنیم و با حل آنها بسترهای علمی و عقلی برای تعمیق گسترش آموزه‌های دینی فراهم نمائیم.

بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی گالوپ در آمریکا، حدود دوهزار عنوان کتاب در بازار وجود دارد که به موضوعاتی پیرامون عبادت پرداخته‌اند. این تعداد سه برابر تعداد عناوینی است که در موضوعات چینی چاپ شده است. به دلیل اقبال مردم به موضوعات دینی در جوامع غربی، امروزه حتی برای فیزیک‌دانان، کیهان‌شناسان و

^{۱۵} - همان، به نقل از کیهان ۷۶/۷/۱۳ و ماهنامه صبح شماره ۷۶

^{۱۶} - جمهوری اسلامی ۱۳۷۶/۳/۸

^{۱۷} - دین و دنیای مدرن، ص ۱۲۳

منجمان غربی سود آور شده که در عنوان کتاب‌هایشان اسم خدا را بگنجانند گرچه در داخل کتاب، کاری به خدا سنتی نداشته باشند. لذا عناوینی نظیر *God And The New Physics* و *The Mind Of God* و غیره رائج شده است و علتش هم این است که اقبال عامه به این قبیل کتاب‌ها زیاد بوده است؛ زیرا بسیاری از مردم می‌خواهند تعارض بین علم و دین‌شان حل شود. به آنها گفته شده است که باید بین این دو یکی را انتخاب کنند، اما آنان هر دو را می‌خواهند.^{۱۸}

❖ نتیجه‌گیری

قرآن کریم می‌فرماید: **(وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ)**^{۱۹} ما چنین اراده‌ای داریم که بر مستضعفان زمینی منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

تعلق اراده الهی بر امامت و پیشوایی مستضعفان و وراثت زمین توسط آنان، جهت‌گیری و هدفمندی حرکت پویای امت اسلامی در جهت تثبیت ارزش‌های دینی در زمین را پیام می‌دهد. ظرفیت‌های موجود در جوامع بشری، نویدبخش آینده‌ای روشن در تاریخ بشری با محوریت دین و کانونیت «مسجد» است. همان‌گونه که فروپاشی شوروی سابق و فرومایگی کمونیسم و اندیشه ماتریالیسم، بعید به نظر می‌رسید اما عاقبت محقق شد، تفوق اندیشه الهی بر سایر مکاتب و اندیشه‌های موجود در جهان و نیز عینیت یافتن «اندیشه دینی و مسجد محوری» در دنیای پیچیده امروز، گرچه بعید بنظر می‌رسد، اما شدنی است و ما منتظر فردایی آن‌گونه هستیم. انشالله

^{۱۸} - همان، ص ۱۲۳.

^{۱۹} قصص : ۵

منابع

قرآن کریم

۱. تحلیل بر عملکرد یهود در عصر نبوت، علی جدید بناب، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۵.
۲. خبرنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۷
۳. دین و چشم اندازهای نو، پیر آستون، میلتنو بینگر، محمد لگنهاوزن، ترجمه غلامحسین توکلی، واحد کلام و فلسفه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۴. دین و دنیای مدرن، ابوالفضل ساجدی، ۱۳۸۷، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
۵. عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، علی جدید بناب، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۵.
۶. فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش و سنجش، سال هشتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۰، ویژه جهانی سازی
۷. ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، شماره های ۲۹ و ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۸۸.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد